

# راهبردهای نظامهای اقتصادی و اجتماعی

امان الله صالحی

## مقدمه

از سالیان آخر قرن بیستم که به نام قرن اطلاعات نام گرفته بود، هر لحظه انبوهی از اطلاعات جدید در مورد رویدادها و پیشرفتهای علمی و فناوری در اختیار همگان قرار می‌گیرد. بدین ترتیب آگاهی عمومی از مسایل و رویدادها لحظه‌ای بوده و اثرات رویدادها به عنوان عوامل برون‌ی و درونی می‌توانند بر سیستمهای اقتصادی و اجتماعی تاثیرگذار باشند. از منظری دیگر سیاستگذاران با زمان و مکانی فشرده روپرو هستند و ناچارند قبل از آنکه یک رویداد اثرات جبران‌ناپذیر خود را بر روی روندها و حرکت از پیش تعیین شده سیستم بگذارد با اتخاذ تدابیری اثرات مخرب را جبران و یا از تاثیر بیشتر آن جلوگیری کنند، از این رو سیاستگذاران برای ارزیابی خط مشی خود نیازمند به در اختیار داشتن شاخصهایی برای

نشان دادن روندهای موجود در سیستم اقتصادی و اجتماعی هستند. سه هدف کلی رشد، عدالت اجتماعی و ثبات اهدافی هستند که کلیه جوامع و دولت‌ها در پی دستیابی به آنان می‌باشند و ابرازهای سیاستگذاری در راستای اهداف فوق به کار گرفته می‌شوند. بطور عام اهداف سیاستگذاری را می‌توان با تأکید نسبی آن بر موارد زیر بیان داشت (الف) رشد شامل کارایی در تخصیص منابع موجود جهت افزایش تولیدات ملی و سرمایه‌گذاری و افزایش بهره‌وری آن منابع و ایجاد منابع جدید (ب) عدالت اجتماعی به معنای توزیع عادلانه درآمد، تولیدات و منابع ملی در میان گروه‌ها در داخل ملت و افراد در داخل گروه‌ها را شامل می‌شود (ج) ثبات که بعد زمانی را به دو هدف دیگر می‌افزاید و به این ترتیب نوسانات را از سالی به سال دیگر در



طول زمان دستیابی به آن اهداف کاهش می دهد.

تعیین هدف که یکی از مراحل فرآیند سیاستگذاری است اهمیت نسبی سه هدف کلی فوق را تعیین می کند و از این راه وزنهای لازم برای ارزشیابی جابه جایی ها در میان آنها در حالتی که اهداف فوق با یکدیگر در تضاد باشند، تعیین می شود. برای مثال، کاهش نرخ مالیات بر درآمدهای سطح بالای افراد جهت ترغیب به سرمایه گذاری اضافی به منظور افزایش رشد به قیمت افزایش نابرابری در توزیع درآمد تمام می شود، بنابراین تعیین هدف فرآیندپویا است که نه تنها از شاخص ها و نماگرهای اقتصادی بلکه از عوامل خارجی نظام نیز تأثیر می پذیرد.

در اولین مراحل توسعه، اهداف در تصمیم گیریهای ملی نمی توانند کاملاً مشخص باشد بنابراین جابجایی میان اهداف از اطلاعاتی که از آزمایش ابزارهای گوناگون سیاستگذاری حاصل می شود، بروزنهای تعیین شده برای اهداف رشد، عدالت اجتماعی و ثبات تأثیر می گذارد. بدین معنی که افزایش آگاهی از آنچه قابل حصول می باشد بر ترکیب هدف که در فرآیند سیاستگذاری تعیین شده است، تأثیر می گذارد. پس در فرآیند برنامه ریزی و سیاستگذاری و گذر از وضع موجود به

## گزارش توسعه انسانی ۲۰۰۳

عبدالمیرنبوی

### مقدمه

مفهوم «توسعه» در چند دهه اخیر، همسو با تحولات عمیق معرفتی از یک سو و دگرگونیهای ژرف اقتصادی و سیاسی از سوی دیگر، دچار دگرگونی و تحول شده است. اگر در سالهای پس از جنگ جهانی دوم، توسعه به معنای رشد اقتصادی - آن هم براساس تحلیل چند متغیر خاص - به کار می رفت، امروزه کمتر کسی بدین معنا باور دارد یا دست کم آن را مطلوب می داند. در واقع، گسترش گسترده ی معنایی این مفهوم چنان است که امروزه تأکید صرف بر متغیرهایی چون رشد اقتصادی یا افزایش درآمد سرانه افتخار آفرین تلقی نمی شود، بلکه در کنار آنها متغیرهای مهم و گاه جدیدی مانند وضعیت بهداشت و آموزش عمومی، حفظ محیط زیست و نابرابریهای درآمدی و جنسیتی نیز مبنای مطالعه و تحلیل است. از این رو می توان گفت که مفهوم توسعه به مرور زمان چندبعدی تر و «انسانی تر» شده است، چرا که وجوه بیشتری از استعدادها و نیازهای آدمیان را مورد توجه و محاسبه قرار می دهد.

سرگذشت این تحول در گزارشهای سالانه برنامه توسعه سازمان ملل متحد (UNDP) هم به روشنی قابل مشاهده است. در نخستین گزارش توسعه انسانی سازمان ملل که در سال ۱۹۹۰ عرضه شد، از «درآمد



سرانه» به عنوان ملاک و معیاری برای مقایسه کامیابی کشورها در دستیابی به اهداف توسعه استفاده شده بود، در حالی که جدیدترین گزارش این سازمان با عنایت به «اهداف توسعه هزاره» (۸ هدف اصلی و ۱۸ هدف فرعی) تنظیم شده است و در آن، محورهای چون ریشه‌کنی فقر و گرسنگی مطلق، بهبود وضعیت بهداشت کودکان و مادران و ایجاد محیط زیست پایدار برجسته شده است. اما وضعیت کشورها و مناطق گوناگون جهان، با عنایت به تحول مفهومی یاد شده، چگونه است؟ بر اساس اهداف و متغیرهای جدید مورد بررسی، کدام کشورها «توسعه یافته» محسوب می‌شوند و کدام یک «در حال توسعه»؟ به نظر می‌رسد که گزارش توسعه انسانی ۲۰۰۳ را بتوان منبعی مستند و قابل اعتماد برای شناسایی و مقایسه‌ی جایگاه کشورها و نیز ارزیابی علمی تصمیمات سیاست‌گذاران و عملکرد مجریان به شمار آورد، به ویژه اینکه گزارش مذکور نتیجه پژوهش‌های یک گروه ۳۰۰ نفری از کارشناسان - زیر نظر سازمان ملل متحد - است و تلاش بر آن بوده که آمارها و داده‌ها حتی الامکان دقیق و مستند باشد. به عبارت دیگر، این گزارش سالانه نقاط قوت و ضعف را به صورتی دقیق و بی‌طرفانه نشان می‌دهد و کامیابیها و ناکامیها را در جهت تحقق توسعه همه‌جانبه و پایدار به نمایش می‌گذارد.

خوشبختانه، گزارش مذکور به تازگی ترجمه و منتشر شده و در نتیجه، امکان استفاده از آن برای تعداد بیشتری از علاقه‌مندان فراهم آمده است. حال، آنچه که در پی می‌آید، معرفی این گزارش و در خلال آن، ذکر نکاتی چند در مورد میزان توسعه‌یافتگی کشورها و ارزیابی توسعه انسانی در آنها، به ویژه در

←

وضع مطلوب، اطلاعات به دو گونه بر روند سیاستگذاری‌ها اثر می‌گذارد، اول آنکه آگاهی از پاره‌ای از رویدادهای تواننده عنوان عامل درونی و بیرونی سیستم بر آن تأثیرگذار باشد و تصمیم‌گیران در هر برهه از زمان بایستی آمادگی اتخاذ تصمیمات جدید را برای هدایت سیستم اقتصادی اجتماعی به نحو مطلوب داشته باشند، ضمن آنکه بتوانند حتی الامکان اثرات تصمیمات خود را بر روی سیستم پیش‌بینی نمایند. دوم آنکه با شاخصهایی که از عملکرد سیستم بدست می‌آورند بتوانند جابجائی میان سه هدف کلی رشد، عدالت اجتماعی و ثبات را به نحو مطلوب به انجام برسانند. عدم آگاهی از موقعیت سیستم اقتصادی و اجتماعی و اتخاذ تصمیمات عجولانه می‌تواند اثرات جبران‌ناپذیر بر عملکرد سیستم داشته باشد از این رو ضروری است علاوه بر مراجع متداول که به بررسی‌ها و اتخاذ تصمیم می‌پردازند با در اختیار داشتن مکانیسمی به اتخاذ تصمیمات زود هنگام و خردمندانه پرداخت بنحوی که هیچیک از رویدادها نتوانند به بحرانی برای سیستم تبدیل شوند. از آنجا که این دست از تصمیمات ممکن است علاوه بر جنبه اجرائی جنبه قانونگذاری نیز داشته باشد، مرجع تصمیم‌گیری بایستی به طور کامل مستقل بوده و بابتی طرفی کامل



به تعیین گزینه بهینه در فرار راه سیاستهای راهبردی پردازد.

در ادامه مباحث و به منظور تبیین دقیق تر مسایل به مطالب ذیل خواهیم پرداخت:

۱- تعریف سیستم؛ ۲- پیچیدگی سیستم اقتصادی و اجتماعی؛ ۳- عدم اطمینان از آینده؛ ۴- فشردگی زمان و مکان؛ ۵- منطقی بودن تصمیمات؛ ۶- منابع اطلاعات؛ ۷- به کارگیری اطلاعات و تناوب تصمیم گیری؛ ۸- استنتاج

### ۱- تعریف سیستم

یک سیستم عبارت است از مجموعه‌ای از اهداف یا فرایندها به نام اجزاء که جهت انجام وظیفه یا وظایفی مشخص در عمل متقابل هستند. اثرات متقابل که پیوندهائی جهت اتصال اجزاء می‌باشد در طول مسیرها با مکانیسم جریان، مواد و انرژی و اطلاعات میان اجزاء به وقوع می‌پیوندد. ساختمان یک سیستم بطور منحصر به فرد به وسیله اجزاء و پیوندها تعریف می‌گردد و محیط سیستم تمامی جنبه‌های جامعه که صراحتاً بخشی از جامعه نیست را شامل می‌گردد و مرزهای سیستم آنرا از محیط اطراف جدا می‌سازد. سیستم با تبادل جریانهای مواد، انرژی و اطلاعات به نام نهاده‌ها و داده‌ها از مرزهای خود با محیط خارج در عمل

مورد جمهوری اسلامی ایران، است. متن حاضر به معرفی و بررسی کتاب گزارش توسعه انسانی سال ۲۰۰۳، که توسط معاونت بررسی و نظارت مجمع تشخیص مصلحت نظام، (تهران: دبیرخانه مجمع تشخیص مصلحت نظام، ۱۳۸۲)، ترجمه شده است، می‌پردازد.

### مرور گزارش

مقدمه گزارش توسعه انسانی ۲۰۰۳ با اشاره به دستاوردهای همایش سران دولتها در سال ۲۰۰۰ و انتشار «بیانیه هزاره» پیشرفتهای به دست آمده از سال ۱۹۹۰ تاکنون در جهت کاهش فقر و گرسنگی، توجه بیشتر به محیط زیست، ارتقای برابری جنسی، بهبود وضعیت بهداشت و سواد و افزایش همکاریهای بین‌المللی برای تحقق این اهداف را برشمرده و البته مشکلات و ناکامیهای به بار آمده را نیز یادآور شده است.

بر اساس اهداف توسعه هزاره، کلیه کشورها موظف شده‌اند که تا سال ۲۰۲۵ برای دستیابی به این اهداف بکوشند:

- ۱- ریشه کنی فقر و گرسنگی مطلق؛
  - ۲- دستیابی به آموزش ابتدایی همگانی؛
  - ۳- ارتقای برابری جنسی و اختیارات زنان؛
  - ۴- کاهش مرگ و میر کودکان؛
  - ۵- بهبود بهداشت مادران؛
  - ۶- مبارزه با ایدز، مالاریا و سایر بیماریها؛
  - ۷- ایجاد محیط زیست پایدار؛
  - ۸- گسترش مشارکت جهانی برای توسعه.
- بر اساس ارزیابی سازمان ملل متحد، به رغم عملکرد چشمگیر و موفقیت‌آمیز بعضی کشورها،

←

سرعت توسعه انسانی هنوز کند است و حتی می توان از «بحران توسعه» سخن گفت؛ به عنوان نمونه، ۵۴ کشور هم اکنون فقیرتر از سال ۱۹۹۰ هستند و در ۳۴ کشور امید زندگانی کاهش یافته است. از این رو، جز تغییر مسیر تعدادی از کشورها و سرعت گرفتن روند توسعه انسانی در تعدادی دیگر چاره ای نیست. البته بلافاصله - به درستی - گفته شده است که در این زمینه، رشد اقتصادی به تنهایی کافی نیست و باید سیاستهایی در جهت کاهش نابرابریهای درآمدی نیز اتخاذ شود. برای دستیابی به اهداف توسعه هزاره، گسترش همکاریهای بین المللی، به ویژه توجه جدی کشورهای ثروتمند، ضروری است. این مسئله به معنای آن است که کمکهای کشورهای ثروتمند (کمکهای مالی، تعدیل بدهیها، انتقال فناوری و گسترش تجارت) باید افزایش یابد و مؤثرتر شود. کشورهای نیازمند کمک هم به دو دسته تقسیم می شوند: کشورهایی که توسعه انسانی پایین و عملکردی ضعیف داشته اند (اولویت فوق العاده و بالا)، و کشورهایی که با پیشرفت مناسب در جهت اهداف توسعه حرکت کرده اند، ولی تعداد قابل توجهی از فقیران را جا گذاشته اند.

پس از مقدمه، متن پیمان توسعه هزاره نقل شده است که طی آن، ضمن تأکید بر همکاریهای بیشتر بین المللی، رویکردی چند وجهی برای گریز از دام فقر توصیه شده است. این رویکرد شامل اتخاذ همزمان شش سیاست است:

- ۱- سرمایه گذاری در توسعه انسانی؛
- ۲- افزایش بهره وری کشاورزان کوچک؛
- ۳- سرمایه گذاری در امور زیربنایی؛
- ۴- گسترش سیاستهای توسعه صنعتی؛

←

متقابل می باشد. براساس تعریفی که از سیستم ارائه نموده ایم، سیستم دارای اجزاء دیگری برای دیگر نواحی درون مرزهای خود نمی باشد. بنابراین دیگر نواحی به عنوان قسمتی از محیط سیستم در نظر گرفته می شود. سیستم را همچنین می توان در سطوح مختلف سازمانی و مجدداً با وابستگی به اهداف تعریف کرد.

بنابراین آنچه که ممکن است در یک زمینه به عنوان یک سیستم محسوب شود، می تواند فقط جزئی از سیستمی وسیع تر با مقاصد دیگر باشد و برعکس یک سیستم ممکن است جزئی از سیستم وسیع تر دیگر باشد، همچنین یک جزء سیستم ممکن است به عنوان یک سیستم مستقل با اجزاء مربوط به خود دیده شود. برای مثال، بخش کشاورزی ناحیه ای ممکن است جزئی از اقتصاد اجتماعی ناحیه ای و یا ملی باشد. در هر سیستم آگاهی از نحوه بازخوری و اثرات عملکرد یک جزء از سیستم از طریق مجموعه ای از پیوندها بر خودش دارای اهمیت زیاد است. برای مثال در سیستم کشاورزی اجزاء تولید محصولات کشاورزی با بازار مواد غذایی بریکدیگر تأثیر می گذارند، یعنی چنانچه تولید محصولات کشاورزی سریع تر از تقاضا افزایش یابد، سبب تنزل قیمت می گردد که این خود باعث کاهش



تولید خواهد گردید.

این مثال، یک مشخصه بسیار مهم حلقه‌های بازخوری را نشان می‌دهد خاصه آنکه اثرات متقابل عرضه و قیمت همزمان نمی‌باشد. به این معنی که یک تغییر در قیمت در همان زمان بر عرضه اثری نخواهد داشت. این که اثرات بازخوری صادق است به این معنی که فرآیندهای بازخوری در مرکز فرآیندی که باعث پویایی رفتارهای سیستم می‌شود، یعنی چگونگی ارتباط یک سیستم در یک لحظه خاص به تاریخ گذشته و تاثیر آن بر آینده سیستم قرار دارد، بنابراین سیاستگذاران با استفاده از اطلاعات عملکرد سیستم آینده را پیش‌بینی و با دخالت‌های خود از اثرات نامطلوب جلوگیری می‌نمایند.

## ۲- پیچیدگی سیستمهای اقتصادی و اجتماعی

توجه به سیستمهای انسانی یکی از منابع عمده پیچیدگی در تصمیم‌گیریهای ملی می‌باشد. پیچیدگی به خصوص از آن رو آشکار می‌گردد که توسعه از جنبه اقتصادی مرود نظر است و به دفعات به عنوان جزئی از برنامه‌های وسیع‌تر توسعه در ارتباط با تمام مظاهر رفاهی زندگی، اجرا شده‌اند. شناخت روابط پیچیده موجود حائز

۵- ارتقای حقوق بشر و عدالت اجتماعی از طریق حکومت دموکراتیک؛

۶- ارتقای پایداری محیط زیست و بهبود مدیریت شهری.

اهداف توسعه هزاره و چالشهای اصلی در مسیر تحقق این اهداف، موضوع فصلهای اول و دوم گزارش است. در فصل نخست گفته شده است که گزارشهای سالانه سازمان ملل متحد «تأکید می‌کند که هدف از توسعه انسانی، بهبود زندگی مردم از طریق افزایش حق انتخاب، آزادی و منزلت انسانی است... اهداف توسعه منعکس کننده حقوق بشر است» (صص ۵۶-۵۵). اهداف توسعه هزاره در کنار تحسین فراوان، مورد انتقاد هم قرار گرفته است. از این رو، بخشی از فصل نخست به ذکر این انتقادات و پاسخگویی بدانها اختصاص یافته است.

فصل دوم را شاید بتوان یکی از مهم‌ترین بخشهای گزارش تلقی کرد که حاوی تصویرها و نمودارهای گویایی از پیشرفت یا پسرفت مناطق گوناگون جهان در زمینه توسعه انسانی است. این تصویرها و نمودارها برگرفته از آمارهای گردآوری شده‌ای است که در پایان گزارش (بخش ضمیمه آماری) به تفصیل آمده است.

اطلاعات و داده‌های کمی بیانگر آن است که:

۱- آسیای جنوبی که یکی از فقیرترین و پرجمعیت‌ترین مناطق جهان است، پیشرفت قابل توجهی داشته و از شرایط اولیه توسعه فراتر رفته است.

۲- کشورهای زیر صحرای آفریقا همچنان درگیر عقب‌ماندگی و رکود هستند. البته در این میان، بعضی کشورها دستاوردهایی داشته‌اند؛ مانند رشد اقتصادی ۳ درصدی در اوگاندا، موزامبیک و موریتانی.



۳- پیشرفت قابل ملاحظه‌ای در منطقه آمریکای لاتین و حوزه کارائیب مشاهده می‌شود. البته نابرابری درون منطقه‌ای همزمان رشد داشته است؛ به عنوان مثال، در حالی که تعداد گرسنگان در کوبا از ۵ درصد به ۱۳ درصد افزایش یافته است، تعداد این افراد در پرواز ۴۰ درصد به ۱۱ درصد کاهش داشته است.

۴- عملکرد آسیای شرقی و حوزه پاسیفیک، در کل، مناسب ارزیابی شده است؛ اقتصاد منطقه ۶ درصد رشد سالانه داشته و فقر در حدود ۱۵ درصد کاهش نشان می‌دهد.

۵- برخلاف مورد بالا، اروپای شرقی و مرکزی و کشورهای مستقل مشترک المنافع با افزایش فقر و کاهش امید زندگی روبرو بوده‌اند. البته در اینجا نیز پدیده نابرابری درون منطقه‌ای وجود دارد: کشورهای اروپای شرقی و مرکزی وضعیت بهتری از کشورهای مستقل مشترک المنافع داشته‌اند.

۶- به رغم درآمد بالا و بهبود برخی از ابعاد توسعه انسانی، شکافهای مزمنی در کشورهای عربی وجود دارد و حقوق سیاسی و اجتماعی همچنان بزرگ‌ترین چالش مطرح است.

در زمینه رشد اقتصادی، آمار نشان می‌دهد که طی دوره ۲۰۰۱-۱۹۹۰، ۳۰ کشور از رشد بالای ۳ درصد برخوردار بوده‌اند، ۷۱ کشور بین ۰ تا ۳ درصد رشد را تجربه کرده‌اند و ۵۴ کشور نیز رشد منفی داشته‌اند. همزمان پدیده شکافها و نابرابریهای درونی کشورها (نابرابری درآمدی، شکاف میان گروههای اجتماعی - اقتصادی، شکاف میان روستا - شهر و شکافهای جنسی) افزایش یافته است؛ به عنوان مثال، چین نمونه کشوری است که همزمان با رشد اقتصادی قابل ملاحظه (۱۱ درصد رشد درآمد سرانه

←

اهمیت است، زیرا که تلاشهای هدایت شده در یک جهت خاص مانند بهداشت خانوار ممکن است اثرات نامطلوب دیگری داشته باشد.

ممکن است خانوار با کنترل جمعیت از رفاه نسبی بیشتری برخوردار شود لیکن در آینده عرضه نیروی کار به یکی از مسایل ملی تبدیل گردد. به علاوه فعالیتهای و فرایندهای در یک سطح خاص می‌تواند بر فعالیتهای و فرایندهای سطوح بالاتر و پایین‌تر تأثیرگذار باشد و آن را مفید سازد. برای مثال خانوار نیازها و خواسته‌های خود را مطرح می‌سازد و نیروی کار خود را به جامعه عرضه می‌کند و جامعه نیز درحالی که سعی می‌کند آن خواسته‌ها را برآورد نماید، در همان حال خانوار و افراد را برای رعایت رفتارهای پذیرفته شده اجتماعی تحت فشار می‌گذارد. در ابعاد وسیع تر روابط متقابل و مشابهی نیز میان جوامع گوناگون و کل کشور و میان کشورها و کل جهان وجود دارد.

با توجه به مطالب گفته شده هر تصمیم می‌تواند نتایج مطلوب و نامطلوب بر روی سیستم اقتصادی و اجتماعی داشته باشد زیرا که مسایل اقتصادی و اجتماعی در حال حاضر دارای وابستگی متقابل زیاد می‌باشد بطوریکه پیش‌بینی کلیه نتایج تصمیمات عملاً غیر ممکن است، مگر آنکه با افزایش

آگاهیهای خود پیش‌بینی‌های دقیق‌تری را به عمل آوریم.

### ۳- عدم اطمینان

عدم اطمینان حقیقت اجتناب‌ناپذیر زندگی است، تصمیم‌گیران بطور کلی با سه زمینه از عدم اطمینان در برخورد می‌باشند:

اولین عدم اطمینان از ملاحظه شرایط موجود و روندها در سیستم اقتصادی و اجتماعی ناشی می‌شود. بطور قطع به دلیل پیچیدگی، دانستن همه چیز درباره سیستم غیرممکن و دانستن وضعیت و جهت جنبه‌های مربوط به سیستم بسیار مشکل یا غیرعملی می‌باشد. درحقیقت حتی تشخیص آنچه که مربوط به سیستم است نامعلوم می‌باشد زیرا که به طبیعت مسایل و جریانهای سیاستگذاری و ارزشهای اجتماعی بستگی دارد.

برنامه‌های آماری مانند آمارگیری از گرایشها، نظرسنجی‌ها و مشاهده امتیازات و برتری‌ها که به عنوان قسمتی از تلاشهای تحقیقاتی و تحلیلی عمل می‌کنند، می‌توانند در ارزیابی ارزشهای بخشهای مختلف جامعه کمک کنند. پس با تعریف مسئله و تشریح دقیق احتیاجات می‌توان جریانهای سیاستگذاری مناسب را تشخیص داد. حتی در این صورت نیز به دلیل مشکلات

میان سالهای ۹۸-۱۹۷۸)، شاهد افزایش نابرابریهای منطقه‌ای بوده است. براساس اطلاعات و داده‌ها، رشد اقتصادی موجود بابت سرمایه‌گذاری کلان در شهرهای ساحلی چین است، در حالی که استانهای غربی وضعیت نامناسبی دارند. همچنین می‌توان از روسیه یاد کرد که میزان فقر در آن افزایش چشمگیری یافته است (۵۷ درصد در روستاها و ۴۷ درصد در مناطق شهری). در این حال، وضعیت توسعه انسانی مناطقی چون مسکو در سال ۲۰۰۰، قابل مقایسه با کشورهای چک و مجارستان بود، اما وضعیت توسعه انسانی برخی مناطق مانند جمهوریهای سیبری در حد گابن و نیکاراگوئه به شمار می‌رفت. گفتنی است که میزان رشد سالانه GDP سرانه روسیه در دوره ۲۰۰۱-۱۹۹۰، ۳/۵ درصد بوده است.

فصل سوم، «از میان برداشتن موانع ساختاری رشد، برای دستیابی به اهداف توسعه» نام دارد. در این فصل توضیح داده شده است که دستیابی به رشد اقتصادی پایدار - پیش از هر چیز - مستلزم مدیریت اقتصادی مناسب، آموزش و بهداشت پایه و دستیابی به بازارهای خارجی است. اهمیت رشد اقتصادی در آن است که موجب کاهش فقر درآمدی خانوارها و افزایش درآمدهای دولت می‌شود و در نتیجه، به تحقق اهداف توسعه هزاره یاری می‌رساند. مطالعات نشان می‌دهد که پایداری این رشد درگروی بهبود وضعیت آموزش و بهداشت شهروندان است. به عبارت دیگر، دو متغیر توسعه انسانی و رشد اقتصادی بر یکدیگر اثر می‌گذارند و همدیگر را تقویت می‌کنند. در پایان این فصل، براساس آمار موجود، مناطق جهان با توجه به میزان رشد اقتصادی

←



طبقه‌بندی شده‌اند. بر مبنای این تقسیم‌بندی، کشورها در یکی از ۵ گروه نوآوران تکنولوژیکی (با رشد متوسط GDP سالانه ۷۷ درصد)، در حال گذار (با رشد ۷۷- درصد)، صادرکنندگان نفت (با رشد ۷۵- درصد)، صادرکنندگان صنعتی (با رشد ۲۷ درصد) و صادرکنندگان کالاهای غیرنفتی (با رشد ۰/۸- درصد) جای گرفته‌اند.

«سیاست‌های عمومی برای ارتقای سطح بهداشت و آموزش مردم» عنوان فصل چهارم است که میزان کامیابی سیاست‌های اتخاذ شده برای کاهش گرسنگی، دستیابی به اهداف آموزشی و بهداشتی و نیز اولویتهای چند وجهی را بررسی می‌کند. مهم‌ترین موانع در راه کسب موفقیت در زمینه اهداف فوق عبارت است از: محدودیت منابع، عدم کارایی و نابرابری. محتوای فصل پنجم (تأمین مالی و تدارک بهداشت، آموزش و آب توسط بخش خصوصی) را می‌توان ادامه مباحث فصل چهارم دانست که با عنایت به افزایش نقش بخش خصوصی در مورد خدمات اجتماعی تنظیم شده است. اساساً افزایش نقش بخش خصوصی در کشورهای در حال توسعه ناشی از کمبود منابع دولتی، کیفیت پایین خدمات دولتی و فشار در جهت آزادسازی اقتصادی بوده است. این بخش از گزارش نمونه‌هایی از عملکرد بخش خصوصی را در زمینه‌های آموزشی و بهداشتی بیان می‌کند.

موضوع حفظ محیط‌زیست، که به ویژه در سالهای اخیر اهمیت بسزایی پیدا کرده است، هفتمین هدف «توسعه هزاره» است و از این رو یک بخش (فصل ششم) از گزارش توسعه انسانی ۲۰۰۳ را به خود اختصاص داده است. همان‌گونه که در این فصل بیان شده است، افزایش اهمیت مسئله

←

اندازه‌گیری آماری (مانند مناسب بودن طرح پرسشنامه، خطای نمونه‌گیری و دقت در پاسخگویی) و همچنین تغییر در ارزشها با گذشت زمان تا حدودی عدم اطمینان باقی خواهد ماند.

علاوه بر عدم اطمینان در مورد وضعیت حقیقی امور، دومین زمینه عدم اطمینان در ارتباط با شرایط مطلوب می‌باشد. در اینجا نیز اطلاع از ارزشهای پاس داشته شده توسط بخشهای مختلف جامعه جهت افزایش آگاهی از آنکه جامعه در چه وضعیتی بایستی باشد، ضروری است، مقداری از اطلاعات را ممکن است با آمارگیری از گرایشها، عقاید، امتیازات و برتریها حاصل نمود. در هر صورت فرآیند مستمر سازشها و بده و بستانهای سیاسی و اقتصادی در میان منابع در حال رقابت که هر کس با اهداف متضاد خود و با توجه به منابع رقیب از یک هدف به نفع امتیازی دیگر چشم پوشی می‌کند، منبع مهمتری برای کسب اطلاع می‌باشد.

از آنجا که در طول زمان ارزشها بهتر شناخته می‌شوند و از آنجا که ارزشها تغییر می‌کنند، شرایط مطلوب و سیاستهای بکار گرفته شده جهت دستیابی به آن شرایط نیز به همان ترتیب بایستی تغییر کند.

به علاوه در هر لحظه از زمان در مورد اینکه سیستم در چه موقعیتی می‌باشد و در

چه موقعیتی بایستی باشد، عدم اطمینان وجود دارد. بطور کلی حوادث آینده که خارج از کنترل تصمیم گیران است احتمالاً بر سیستم اقتصادی و اجتماعی اثر خواهد گذاشت به هر صورت اطلاعات مربوط به نتایج احتمالی آن اثرات خارجی با توجه به اینکه چه اتفاق خواهد افتاد، کجا اتفاق خواهد افتاد و چه وقت و برای چه کسی روی خواهد داد نیز برای هدایت و راهبرد سیستم مورد نیاز است. در آن صورت است که تصمیم گیران می توانند قبل از وقوع هر مسئله با طرح ریزی سیاستها، برنامه ها و پروژه ها تأثیرات خارجی را جبران نموده و در صورت لزوم آنها را تقویت نمایند.

#### ۴- فشردگی زمان و مکان<sup>۱</sup>

علاوه بر مسایلی که از پیچیدگی سرچشمه می گیرد، مشکلات اساسی و مؤثر دیگری که در فرایند تصمیم گیری از نوآوریهای فنی و نهادی در حمل و نقل و ارتباطات و فراوری اطلاعات ناشی می شود، در پیش روی تصمیم گیران قرار دارد. قبل از جنگ دوم جهانی هرگاه مسایل سیاستگذاری پیش می آید غالباً زمان کافی برای تعمق، بررسی متفکرانه و حتی جمع آوری اطلاعات وجود داشت.

محیط زیست در سالهای اخیر از آن روست که تخریب آن، به سرعت، دستیابی به سایر اهداف توسعه ای را با مشکل روبرو می سازد.

فصل هفتم با عنوان «بسیج حمایت های اساسی برای دستیابی به اهداف توسعه» به جنبه ای مهم از بحث تمرکز کرده است: فرآیندها و دگرگونیهای سیاسی و تلاش برای دموکراسی. بی تردید، تحقق اهداف توسعه هزاره نیازمند عزم نخبگان سیاسی و مشارکت فعال شهروندان و منوط به وجود دولتهای آزاد دموکراتیک است. در دو دهه گذشته، بسیاری از کشورها گامهایی جدی در زمینه اصلاحات سیاسی برداشته اند و به ویژه بخشی از قدرت تصمیم گیری و اجرایی به مؤسسات محلی واگذار شده است. البته این امر زمانی موفقیت آمیز است که «رابطه پویای سه جانبه ای بین دولتهای محلی، جامعه مدنی و دولت مرکزی فعال برقرار شود» (ص ۲۲۵). به عبارت دیگر، دولت مرکزی باید از ظرفیت و ثبات لازم برخوردار باشد، مسئولان محلی از قدرت و اختیارات مناسب بهره مند شوند، و جامعه مدنی هم متشکل از شهروندانی آگاه و متعهد باشد.

آخرین فصل کتاب (فصل هشتم) به بررسی نقش و جایگاه کشورهای ثروتمند در دستیابی به اهداف توسعه می پردازد. پیش تر گفته شد که تحقق اهداف توسعه ای در سطح جهان در گروی گسترش همکاریهای بین المللی و افزایش کمکهای کشورهای ثروتمند است. سازمان ملل متحد در پی آن است که کشورهای ثروتمند ۰/۷ درصد از GNP خود را صرف توسعه جهانی کنند، اگرچه این هدف تاکنون تحقق پیدا نکرده است؛ به عنوان مثال، اعضای کمیته کمکهای توسعه ای OECD (۲۳ کشور اصلی

←

1. Compassion of time and opace

کمک کننده در جهان) چنانچه بر مبنای ۰/۷ درصد عمل کنند، سالانه ۱۶۵ میلیارد دلار کمک جمع آوری می شود، در حالی که سطح فعلی کمکها یک سوم رقم یاد شده است. از طرف دیگر، بسیاری از کشورهای با اولویت فوق العاده و بالا درگیر بدهی خارجی هستند. از این روال سال ۱۹۹۶ برنامه ای تحت عنوان «کشورهای فقیر به شدت بدهکار» (HIPC) برای بخشودگی یا تخفیف بدهیها به اجرا درآمد و تا اندازه ای مفید واقع شد. در ادامه فصل، نکاتی درباره الگوهای تجاری و انتقال فناوری و نیز مسئولیت کشورهای ثروتمند در این باره آمده است.

ضمایم آماری (۱۰ جدول در زمینه اهداف توسعه هزاره + ۳۰ جدول درباره شاخصهای توسعه انسانی) و یادداشت‌های فنی - در مورد چگونگی محاسبه شاخصهای توسعه انسانی و تعیین جایگاه کشورها - پایان بخش گزارش توسعه انسانی ۲۰۰۳ است.

### وضعیت توسعه انسانی در ایران

در جدیدترین گزارش توسعه انسانی سازمان ملل متحد، کشورها و مناطق گوناگون جهان، بر اساس عناوین زیر تقسیم بندی شده اند:

- ۱- توسعه انسانی: که کشورها در سه طبقه توسعه انسانی بالا (شاخص ۰/۸۰۰ و بالاتر)، توسعه انسانی متوسط (شاخص ۰/۵۰۰ تا ۰/۷۹۹) و توسعه انسانی پایین (شاخص زیر ۰/۵۰۰) جای داده شده اند. بر اساس این شاخص، جمهوری اسلامی ایران دارای توسعه انسانی متوسط - با شاخص ۰/۷۱۹ - بوده است.
- ۲- درآمد ناخالص داخلی سرانه: کشورها بر اساس این عنوان به سه طبقه درآمد بالا (بالاتر از ۹۲۰۶ دلار در سال ۲۰۰۱)، درآمد متوسط (۷۴۶ تا ۹۲۰۵ دلار در

←

امروزه فشرده‌گی فنی و نهادی زمان و مکان، صرفاً به علت اثرات متقابل و سریع متغیرهای سیاسی، نسبت بزرگتری از تصمیمات ملی را بلافاصله به بحرانهای با اهمیت متفاوت تبدیل می کند، خواه مسایل اقتصادی مطرح باشد و خواه مسائل سیاسی یا نظامی.

فشرده‌گی زمان و مکان از دو طریق آشکار می گردد؛ اول بدلیل آن که ارتباطات تقریباً آنی بوده و اثرات آنها نسبت به گذشته سریع تر انتقال یافته و زودتر احساس می گردد و نتیجه مهم آن این است که تصمیم گیران اگر زمانی در اختیار داشته باشند که در مورد اقداماتی که به آن مبادرت ورزیده اند قبل از آنکه آثار این اقدامات به طور گسترده ای پخش شود، تغییر عقیده دهند یا اقدامات خود را متوقف سازند، این زمان بسیار کم است. دوم به همین دلیل باید در موقعیتهای اضطراری بسیار سریع تر از گذشته عکس العمل نشان دهند و آنچه را که مصلحت است برگزینند تا مبادا که وضعیت از کنترل خارج شود، همچنین زمانی برای وقت گذرانی بر سر بررسی راههای قابل گزینش یا اجرای طرحها به صورت آزمایشی غالباً وجود ندارد.

همین پدیده یعنی انتقال اطلاعات و ارتباطات پیشرفته در جهانی با وابستگی های متقابل و پیچیده اقتصادی و اجتماعی، ملی و



بین‌المللی فشرده‌گی مکانی برای تصمیم‌گیران ایجاد می‌نماید. بدین معنی که آگاهی از آثار هر تصمیم از نظر جغرافیایی بسیار وسیع‌تر از گذشته مستعد پخش شدن می‌باشد این آگاهی چه به صورت طراحی شده و چه به شکل تصادفی از حدود مسئولیت آنی یک تصمیم‌گیرنده خاص فراتر می‌رود گویی جهان کوچکتر شده یا در یک «روستای جهانی» فشرده شده است. فشرده‌گی زمان و مکان برای تصمیم‌گیری دارای مفهوم پراهمیت عکس‌العمل سریع در ارتباط با رویدادها و انتخاب گزینه‌ای مناسب با مصلحت نظام یا سیستم می‌باشد.

#### ۵- منطقی بودن تصمیم‌گیری<sup>۲</sup>

تشخیص راه‌های قابل‌گزینش و نتایج احتمالی آنها جزء لازم تصمیمات منطقی است. همچنین جهت منطقی بودن تصمیمات ضروری است که آن تصمیمات با اهداف بیان شده تصمیم‌گیران نیز سازگار باشد زیرا در اینصورت است که تصمیم‌گیران با تحلیل بیشتر راه‌های قابل‌گزینش، سعی در اتخاذ تصمیمات منطقی‌تر می‌نمایند. پاره‌ای از افراد از روی بدبینی اظهار می‌دارند که اغلب تصمیمات اصولاً غیر منطقی است و تهیه آمارهای پیشرفته و مدل‌های پیچیده،

2. Rationality of aceion making

سال (۲۰۰۱) و درآمد پایین (کمتر از ۷۴۵ دلار در سال ۲۰۰۱) تقسیم شده‌اند. براساس این عنوان، ایران دارای درآمد ناخالص ملی سرانه متوسط بوده است.

۳- دسته‌بندی اصلی: در این بخش، کشورها و مناطق گوناگون جهان به پنج دسته کشورهای در حال توسعه، کم توسعه‌یافته‌ترین کشورها، اروپای شرقی و مرکزی و کشورهای مستقل مشترک‌المنافع، OECD و کشورهای با درآمد بالای عضو OECD تقسیم شده‌اند. در این بخش، ایران جزء کشورهای در حال توسعه به شمار آمده است.

۴- دسته‌بندی منطقه‌ای: که از شش منطقه زیرصحرای آفریقا، اروپای جنوبی، آمریکای لاتین و حوزه کارائیب، آسیای جنوبی، آسیای شرقی و حوزه پاسیفیک، و کشورهای عربی نام برده شده است و ایران در شمار کشورهای آسیای جنوبی محاسبه شده است.

اینک، آمارهای بیشتری برای شناسایی جایگاه ایران در روند توسعه انسانی - از نظر سازمان ملل متحد - نقل می‌شود.

بر اساس داده‌های موجود، جمعیت ایران از حدود ۳۳/۴ میلیون نفر در سال ۱۹۷۵ به حدود ۶۷/۲ میلیون نفر در سال ۲۰۰۱ (دو برابر) رسیده است و پیش‌بینی می‌شود که در سال ۲۰۱۵ به بیش از ۸۱ میلیون نفر بالغ شود. رشد جمعیت در سالهای ۲۰۰۱-۱۹۷۵، ۲/۷ درصد بوده است و پیش‌بینی شده که میزان رشد طی سالهای ۲۰۰۱-۱۵، ۷/۴ درصد باشد. همچنین گفته شده که جمعیت شهرنشین کشور در سال ۲۰۱۵ به ۷۳/۲ درصد (از ۶۴/۷ درصد در سال ۲۰۰۱) برسد. در این مدت، تعداد افراد زیر ۱۵ سال از ۳۳/۹ درصد (سال ۲۰۰۱) به ۲۶/۸ درصد (سال ۲۰۱۵) و



جمعیت ۶۵ سال و بالاتر از ۴/۵ درصد (۲۰۰۱) به ۴/۹ درصد (۲۰۱۵) خواهد رسید.

در چنین وضعیتی تولید ناخالص داخلی سرانه ایران در سال ۲۰۰۱، ۷۷۶۷ دلار بوده است؛ یعنی در حدود تولید الجزایر با ۷۷۷۳ دلار. این در حالی است که تولید ناخالص داخلی سرانه کشورهای دارای توسعه انسانی متوسط - که ایران هم جزء آنها به حساب می‌آید - ۷۱۰۲ دلار بوده است. البته وضعیت بعضی دیگر از کشورهای منطقه خاورمیانه بسیار بهتر است؛ به عنوان نمونه، قطر ۲۸۱۳۲ دلار، کویت ۱۶۰۴۸ دلار، بحرین ۱۲۱۸۹ دلار، عربستان سعودی ۸۷۱۱ دلار، عمان ۸۲۲۶ دلار، لبنان ۳۸۱۱ دلار و ترکیه ۲۲۳۰ دلار. برخی دیگر از کشورهای منطقه در رده بعد از ایران قرار دارند؛ مانند: مصر ۷۵۱۱ دلار و سوریه ۷۱۷۵ دلار. نرخ رشد سالانه تولید ناخالص داخلی ایران در سالهای ۲۰۰۱-۱۹۷۵ حدود ۰/۶- درصد و در سالهای ۲۰۰۱-۱۹۹۰ حدود ۲ درصد بوده است. بالاترین مقدار تولید ناخالص داخلی سرانه در دوره ۲۰۰۱-۱۹۷۵ در سال ۱۹۷۶ با ۷۱۸۰۸ دلار به دست آمده است.

آمار همچنین نشان می‌دهد که بین سالهای ۲۰۰۱-۱۹۹۰، کمتر از ۲ درصد جمعیت ایران دارای ۱ دلار و ۷۳ درصد جمعیت دارای ۲ دلار درآمد روزانه بوده‌اند و البته امکان محاسبه خط فقر ملی بین ۲۰۰۰-۱۹۸۷ وجود نداشته است. این وضعیت با وضعیت اردن مساوی است (کمتر از ۲ درصد جمعیت دارای ۱ دلار و ۷۴ درصد جمعیت دارای ۲ دلار درآمد روزانه).

یکی از قسمتهای مهم ضمایم آماری، عنوان نابرابری در مورد درآمد یا مصرف دارد. این قسمت



بی‌فایده و هدر دادن منابعی است که اگر در جای دیگر مصرف شود خیلی بهتر است. محدودیت جدی تر در سودمند بودن اطلاعات در نتیجه منطقی بودن تصمیم‌گیریها از این حقیقت که انسانها از لحاظ ظرفیت کسب و عمل آوردن اطلاعات محدود می‌باشند، سرچشمه می‌گیرد.

از نظر تئوری منطقی بودن کامل احتیاج به آگاهی کامل دارد. ولی در عمل ما در جهانی که عدم اطمینان جدائی‌ناپذیر از آن است زندگی می‌کنیم و بنابراین باید با منطقی بودن محدود بسازیم.

از این رو ما نمی‌توانیم بهترین راه حقیقتی‌گذر از شرایط واقعی به شرایط مطلوب را بشناسیم. در نتیجه رضایت تصمیم‌گیران جایگزین به حداکثر رسانیدن منطقی بودن تصمیمات می‌گردد. بدین ترتیب آنان در هنگام سیاستگذاری در صورت در اختیار داشتن زمان کافی، راههای مورد گزینش را دقیقاً بررسی می‌کنند تا آن راه را که به اندازه کافی خوب و رضایتبخش باشد با استفاده از اطلاعات موجود انتخاب نمایند.

## ۶- منابع اطلاعات

اکثر داده‌های مورد نیاز تصمیم‌گیران دولتی از طریق سرشماری‌ها و آمارگیریهای مربوط به برنامه آماری رسمی حاصل می‌گردد.



بازدید از محل دریافت و گزارشات اداری نیز منابع مفید مشاهدات کمی و کیفی می‌باشند. با جمع آوری داده‌ها و اطلاعات اساسی از این گونه منابع واحدهای تحقیقی و تحلیلی دولتی با تفسیر و تحلیلهای بیشتر، اطلاعات مورد نیاز تصمیم‌گیران را فراهم می‌نمایند. این چنین واحدها، مؤسسات تحقیقاتی، ادارات برنامه‌ریزی و گروههای کارمندان شایسته را شامل می‌شود. به هر صورت تصمیم‌گیران یا خریداران اطلاعات از ارزش حقیقی اطلاعات قبل از دستیابی و استفاده از آن آگاهی ندارند، اهمیت معتبر بودن و قابل اعتماد بودن منابع آماری و اطلاعاتی با این تضاد قوت می‌یابد که وقتی خریدار مجبور است که ارزش آنرا قبل از دریافت آن برآورد نماید، غالباً ارزش براساس تجربه قبلی با همان تهیه کننده تعیین می‌گردد. از نظر تقاضا کننده ارزش اطلاعات به استفاده از آن در کاهش عدم اطمینان تصمیم‌گیری بستگی دارد. به همان میزان که عدم اطمینان از یک موفقیت و منفعتی که با تصمیم‌گیری نادرست به خطر می‌افتد افزایش می‌یابد؛ ارزش اطلاعات نیز به همان نسبت افزوده می‌گردد. بنابراین ارزش اطلاعات تابعی از کاهش خطرات تصمیم‌گیری قابل استناد به استفاده از آن می‌باشد. نکته آخر اینکه چنانچه در فرآیند

نشان می‌دهد که صرف نظر از میزان درآمد سرانه، وضعیت توزیع درآمد چگونه بوده است و هر یک از افراد چه سهمی از این میزان برده‌اند.

بخشی از گزارش سال ۲۰۰۳ به موضوع ساختار بازرگانی و تجارت کشورها پرداخته است. طبق داده‌های موجود، ۹۰ درصد صادرات ایران در سال ۲۰۰۱، مواد اولیه بوده است و فقط ۱۰ درصد کالاهای صادر شده صنعتی محسوب شده است. از کل کالاهای صنعتی صادر شده در همین سال نیز فقط ۲ درصد مشمول عنوان «صادرات فناوری بالا» بوده‌اند. این در حالی است که بعضی از کشورهای منطقه عملکرد بهتری داشته‌اند.

متأسفانه ایران هنوز از مشکل قدیمی اتکاء به صادرات مواد اولیه - مشخصاً نفت - رنج می‌برد و این امر، مشکل عموم صادرکنندگان نفت در منطقه است، کما اینکه عربستان، کویت و بحرین نیز درگیر این مسئله هستند.

از جمله شاخصهایی که میزان رشد و پیشرفت علمی یک کشور را نشان می‌دهد، تعداد دانشمندان و مهندسانی است که در زمینه تحقیق و توسعه (RandD) به کار مشغولند. آمارهای گزارش نشان می‌دهد که در ایران، بین سالهای ۲۰۰۰-۱۹۹۶، ۵۹۰ نفر - به ازای هر یک میلیون نفر - در این زمینه اشتغال داشته‌اند.

این رقم در اردن به ۷۹۴۸ نفر، در قطر به ۵۹۱ نفر، در ترکیه به ۳۰۶ نفر، در کویت به ۲۱۲ نفر و در سوریه به ۲۹ نفر می‌رسد. این گزارش نشان می‌دهد که این تعداد در کشورهای دارای توسعه انسانی بالا، به طور میانگین، ۲۳۳۵ نفر و در کشورهای دارای توسعه انسانی متوسط - از جمله ایران - ۵۸۸ نفر است. این آمار نشانگر آن است که برای رشد و پیشرفت بیشتر

←

و پایدار و دستیابی به رتبه‌ای بهتر در اقتصاد جهانی، ایران ناگزیر از سرمایه‌گذاری در امر تحقیق و توسعه و افزایش تعداد دانشمندان و مهندسان خود است و چنین امری هم در گروی توجه جدی‌تر به مقوله آموزش و پرورش است. بر اساس اطلاعات و داده‌های ارائه شده، ۴/۸ درصد از تولید ناخالص داخلی در سال ۱۹۹۰ و ۴/۴ درصد در دوره ۲۰۰۰-۱۹۹۸ به امر آموزش اختصاص یافته است که بیانگر رشد است، اما مخارج نظامی کشور - به عنوان درصدی از تولید ناخالص داخلی - از ۲۷ درصد در سال ۱۹۹۰ به ۴/۸ درصد در سال ۲۰۰۱ افزایش یافته است.

در زمینه افزایش امکانات بهداشتی، گزارش توسعه انسانی ۲۰۰۳ نشان می‌دهد که ایران عملکرد قابل قبولی داشته است و به خصوص در مبارزه با بیماری‌های واگیردار موفق عمل کرده است؛ به عنوان نمونه، میزان مرگ و میر نوزادان - به ازای هر ۱۰۰۰ تولد سالم - از ۵۴ (۱۹۹۰) به ۳۵ (۲۰۰۱) کاهش یافته است و مصون‌سازی کودکان زیر یک سال در برابر بیماریها از ۸۵ درصد (۱۹۹۰) به ۹۶ درصد (۲۰۰۱) افزایش نشان می‌دهد. همچنین در سال ۲۰۰۰، ۸۳ درصد از ساکنان روستاها و ۹۸ درصد از ساکنان شهرها به آب آشامیدنی سالم دسترسی پایدار داشته‌اند. بهبود وضعیت بهداشتی را می‌توان به صورت آشکار در افزایش رقم امید به زندگی مشاهده کرد. بر اساس آمارها، امید به زندگی در بدو تولد ۶۹/۸ سال - در سال ۲۰۰۱ - بوده است، در حالی که این میزان برای کشورهای آسیای جنوبی ۶۲/۸ سال و برای کشورهای دارای توسعه انسانی متوسط

←

تصمیم‌گیری اطلاعات بعد از اتخاذ تصمیم ارائه گردد فاقد هرگونه ارزشی خواهد بود.

## ۷- اطلاعات و تصمیم‌گیری

تصمیم‌گیری را می‌توان به عنوان فرآیندی مستمر و تناوبی در تشخیص مشکلات، تنظیم راههای متفاوت، تحلیل راههای قابل‌گزینش، اتخاذ تصمیم، به اجرا درآوردن تصمیم مشاهده نتایج، ارزیابی موفقیت و سپس ادامه دادن به حل مشکلات موجود و جدید در نظر آورد. در تمام مراحل از اطلاعات استفاده به عمل می‌آید و ممکن است مرحله‌ای براساس اطلاعات حاصل شده از مراحل بعدی تکرار گردد.

به هر صورت تصمیم‌گیران دولتی تنها استفاده‌کنندگان از اطلاعات جمع‌آوری شده از منابع عمومی نمی‌باشند، تصمیم‌گیران بخش خصوصی نیز در رویارویی با پیچیدگی‌ها و عدم اطمینانهای جهان متری مسایل مشابهی داشته و بنابراین جهت افزایش کفایت و کارایی در تولید خصوصی، سرمایه‌گذاری، بازاریابی، مصرف، تحقیق و تصمیمهای مربوط به توسعه به اطلاعات بهنگام و قابل اعتماد نیازمند هستند. دولت در تهیه اطلاعات قابل اعتمادی که از طریق دیگر قابل دستیابی نیستند در موقعیت منحصر به فردی قرار دارد.



## ۸- استنتاج

عدم اطمینان از آینده، پیچیدگی روابط اقتصادی و اجتماعی و آگاهی لحظه‌ای مردم از رویدادها علاوه بر فشردگی زمان و مکان مواردی هستند که سیاستگذاری و هدایت سیستمهای اقتصادی و اجتماعی را با پیچیدگی مواجه ساخته‌اند. پاره‌ای از تصمیمات دارای نتایج متضاد بوده و نیازمند به تعیین وزنهایی برای اولویّت بندی می‌باشند و اثرات رویدادهای داخلی و خارجی بر سیستم نیز بدون آگاهی از عملکرد آنان بر مشکلات تصمیم‌گیری می‌افزاید. از این منظر برنامه ریزان و سیاستگذاران مجبورند جهت دستیابی به اهداف از پیش تعیین شده و گذار از وضع موجود به وضع مطلوب که مستمر می‌باشد هر لحظه از عملکرد سیستم آگاهی داشته و در صورت دورافتادن از اهداف و یا عملکرد نادرست آن با اتخاذ تصمیمات مناسب به هدایت سیستم اقتصادی و اجتماعی در جهت مطلوب به پردازند.

## منابع

1. A national information system  
FAO - The united National
2. Contents and measurement of socio  
economic development.  
MC Granahan.
3. Principles of systems.  
Foster Lay w.

۶۷ سال بوده است.

آمارها، در عین حال، بیانگر مخاطرات و نقاط ضعف موجود هم هستند؛ به عنوان مثال، در دوره ۲۰۰۱-۱۹۹۵، ۱۱ درصد از کودکان زیر ۵ سال دچار کمی وزن نسبت به سن و ۱۵ درصد از کودکان زیر ۵ سال دچار کوتاهی قد نسبت به سن خود بوده‌اند، همچنین ۵ درصد از جمعیت کشور در دوره ۲۰۰۰-۱۹۹۸ از سوء تغذیه رنج می‌برده‌اند.

## فرجام

همچنان که در آغاز گفته شد، ترجمه و انتشار گزارش توسعه انسانی ۲۰۰۳، امکان استفاده از آن را برای تعداد بیشتری از علاقه‌مندان فراهم کرده است و این گزارش را می‌توان منبعی دقیق و قابل اطمینان برای سنجش عملکرد سیاستگذاران و مجریان کشورهای مختلف، با توجه به تحول مفهوم توسعه، به حساب آورد. خوشبختانه کتاب، هم از ترجمه‌ای دقیق و روان و هم از چاپ مناسب - به خصوص در مورد جدولها و شکل‌های رنگی - برخوردار است. تنها نکته‌ای که در ترجمه گزارش توسعه انسانی سال ۲۰۰۳ غیرقابل توجیه به نظر می‌رسد، عدم درج نام مترجم در روی جلد و نیز بخش شناسنامه کتاب است. در واقع، نام مترجم (آقای فردین صادقی زنجانی) و نیز نام جناب آقای دکتر مهدی تقوی (ناظر کیفی ترجمه) فقط در «پیشگفتار» آمده است و در عوض، از «معاونت بررسی و نظارت» به عنوان مترجم نام برده شده است.